توقف

نیز متبدل می‌شد گویم ازدوستان مراد میّت بود و امید در توقیف است
و از مال پادشاه فایده چندان نباشد و بجهت ملکی دوستان برگر
دن و اگر آب طایق برانی در هفتم باجتماع رسید در مرکز خود و مطلق
اجتماع آب عتبهٔ الخارج است در رمل نست بدین دلیل گویم مراد
ازدوستان توقی برابید یا بمثان از انکه عتبهٔ الخارج در باطن رمل از
ضرب قبض الخارج باشکل حمره درد و پیدا میشود و توقی بنابران گفتم
که اجتماع را باعتبهٔ خارج زنیم الحیاة میشود نقطه زوج میشود
و الحیاة ششم خود را ود و ازدهم اجتماع می افتد در این رمل دیگر این
نقطهٔ اجتماع در طول که عبارت از تحصیل اوست در ابهات اب بیاض
میشود و بیاض را با نصرة الخارج زنیم عتبهٔ الخارج میشود که چهارم
بیاض باشد درد ایوه دلیل دلتکی باشد مطلوب ما نیز زوج بود
و در مرکز مصادق و ساقط گویم از این بسر ترا ازدوستان و امید
و مال و پادشاه فایده نجوبی نبود و با راه موافق نتواند مستقبل
زوج حمره است در خانهٔ پنجم گویم بعد از این تو را از مال پادشاه دو
و سعادت بهرهٔ تمام باشد با و امید بر اید مطلوب غایبانه که زوج باد
انکیسی است زوج باد عقله را در هشتم دید در مرکز مخالف گویم از غیب
یکی از دوستان تو آفنا رسید و کار ایستاده تباه کرد و از مال پادشاه
نقصان یابی احکام خانهٔ دوازدهم کو کسی سؤال کند از دشمن و چهار
پای و یا بنوز نزاعت و علتهای کهنه و دولو و کنزه چاه و حیله و مکر

و مرجی

و مرجی و غلام مرجی و کیسه امر او نقل حرکت پادشاه و کنیشت خود
و خانه و خالو و سفر بپوس و شغل و عمل برادر و خوف فرزند و زن
و غلام و غم و بیماری زن و کاروان سرای سرراه و مرگ فرزند و
خوف معشوق سرخاب گویدکه از این جمل رملی از اعمال حضرت دانیال
طلب کردم این نوع بود یافتم برین موجب حکم کرده صورت رملش
این بود

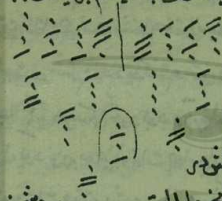

نقطهٔ اتش قبض
الخارج را
را نیز در
بیواست اتش در
میشود در پنجم دلیل است
که نقطه ضیواست
چهارم باشش الحیاة
چهار خاک انکیسی است
بر دشمن و بیماری و چهارپای زیرا
که اتش ضد خاک است من حیث الجوهر از انکه اتش خفیف و لطیفست
و خاک ثقیل مطلق و هر یکی از این دو نقطه در خانهٔ ضد واقعند دیگر شکلی
خارج اتش و شکلی داخل خاک و یکی سعد و یکی نحسی دلیلست بر
مخالف پنهان و دشمن و اگر انکیسی را با قبض الخارج که شکلی بسکنی است
ضرب کنی نقی تولد کند و نقی نقطه خاک ششم دارد و ششم انکیسی
است بر تولد ی و دوازده انکیسی است بفید بر چهارپای و بیماری
و دشمن کند دیگر الحیاة را با بیاض زنیم قبض الخارج تولد کند و او
درد و ازدهم رمل واقع است که پانزدهم باشد از خانهٔ مضروب
فیه بحسب بکوار دیگر اتش الحیاة طالب اتش نصرة الخارج است

Copyright © King Saud University